

N Z D R S L O

M

و

R

ع

عطاء الله بیگدلی

استادیار دانشگاه امام صادق (ع)

یادداشت

۹

A

Civilization
تمدن یا تمبلل صبر

نگاهی ریشه شناسانه به
تمدن و واژه های همسنگ آن

و

U

شکوه

E

=

X

P V

W // D C O



Y T W V C B

اشاره:

از روش‌های تدبیر و تدقیق در موضوعات تاریخی و مبتلابه جامعه و از ریافت‌های نیل به حقیقت، تأمل در واژه‌هاست، و اگر واژه‌ها، زبان مبدأ و مقصد داشته باشند، یعنی از زبانی بیگانه وارد شده باشند، اهمیت موضوع دوچندان می‌شود؛ چراکه واژه زبان مقصد، نشان از موضع قوم خویش در برابر اصل آن واژه و مفهوم است.

۱. تمدن چیست؟ مفاهیم و واژگان را نباید دست‌کم گرفت. می‌دانیم که در ادبیات و مجموعه مفاهیم و واژگان دینی، مفهوم و واژه تمدن به‌کار نرفته است. چرا؟ آیا واژگانی معادل یا نزدیک یا در واقع مخالف این مفهوم را می‌توان سراغ گرفت؟ در غرب civilization یعنی چه؟ این واژه، کی و چرا به فارسی ترجمه شده است؟ عرب‌ها civilization را چه ترجمه کرده‌اند و چرا؟ آیا تمدن اسلامی به معنای Islamic civilization ممکن است و مفهومی پارادوکسیکال و بلکه متناقض محض نیست؟ در قرآن در برابر این مفهوم چه چیزی استفاده شده است؟ و...

۲. در نگاه غربی، تاریخ از توحش و میمونیت آغاز می‌شود. ما در آغاز جنگل نشین بوده‌ایم و با سرد شدن هوا به غار پناه برده‌ایم و شکارچی بوده‌ایم و سپس حیواناتی را اهلی کرده‌ایم و شده‌ایم عشایر و کوچ‌نشین و گله‌دار و پس از هزاران سال دریافته‌ایم که برخی گیاهان را می‌توان کاشت؛ سپس آرام‌آرام از حرکت باز ایستاده‌ایم و cultururation، یعنی کشاورزی را اختراع کرده‌ایم و شده‌ایم روستائین و یکجانشین، از روستاها، شهرها به وجود آمده‌اند و شهرها محل تمدن یا بهتر بگوییم، سیویلیزیشن هستند. تا پیش از شهرنشینی، سیویلیزیشن نداریم. آنها مراحل پیشاتمدن هستند و با شهرنشینی است که سیویلیزیشن آغاز می‌شود. مفهومی که دایرمدار مفاهیمی چون آرت (art: مفهوم مخالف هنر در اندیشه ایران)، کالچر

N Z D R L O

خارج شد و به حال شهرنشینی گرایید. از بدویت و اعرابی‌ای که بود خارج شد و به مدینه روی آورد. در عربی «مَدَن بالمكان» یعنی در مکانی مقیم شدن که باز با اسکان و یکجانشینی هم معنا است.

تمدن آنجا معنا دارد که تاریخ را خطی و چیزی در حال ترقی از وضعیت پست‌تر ببینیم و نه دارای آغازی با شکوه حضور آدم و حوای معصوم بر عرصه گیتی.

فکر می‌کنم تاریخ ترجمه سیویلیزیشن در جهان عرب و ایران کمابیش هم‌سابقه است؛ تاریخی بیش از صدوپنجاه سال ندارد. یعنی پیش از آن، عرب‌ها حَصْر را به صورت حضارة و ما ایرانیان مَدَن را به صورت تمدن استفاده نمی‌کردیم. عرب‌ها البته ترجمه بهتری ارائه داده‌اند؛ الحضارة با سیویلیزیشن قرابت معنایی بیشتری دارد.

۵. چرا ما این مفهوم را نمی‌شناختیم؟ روشن است! ما از تاریخ دریافتی خطی نداشتیم، زندگی آدمی در نگاه دینی از جنگل و غار، آغاز نمی‌شده است که با یکجانشینی تمدنش آغاز شود، آدم و حوا(ع) از همان ابتدا متمدن بوده‌اند. نمی‌دانم چه واژه دیگری بگذارم، فعلاً متمدن را قبول کنید. و چون حالت قبلی متصور نبوده است واژه‌ای که دلالت بر حول و حرکت از یک وضعیت، به وضعیت دیگری را داشته باشد به کار نمی‌بردند. حضارة جایی معنا دارد که سفارة پیش از آن باشد؛ سیویلیزیشن یعنی یکجانشینی پس از کوچ‌نشینی. تمدن، پس از توحش است. ما فارسی‌زبانان نیز گاهی تمدن را در برابر توحش به کار می‌بریم که خود نکته‌ای است! و چون در تفکر دینی چنین سابقه‌ای وجود ندارد و تاریخ فرایندی رو به پیشرفت و ترقی نیست؛ از این رو چنین واژه‌ای در این فکر نمی‌تواند وجود باشد.

(culture: مفهوم مخالف فرهنگ، رشد، تعالی و خواهم گفت فلاح در اندیشه ایرانی و اسلامی) خط، نگارش، آواز، رقص، تئاتر، فلسفه (مفهوم مخالف خردورزی و تفکر و تذکر در اندیشه ایرانی و اسلامی)، پلیس (police: مفهوم مخالف مدینه در اسلام و شار در فرهنگ ایرانی)، استیت (state: مفهوم مخالف دولت، حکومت و خلافت)، کتاب، طب، لباس و خیاطی، شعر و ادبیات و ... است. در کتب تاریخ تمدن غرب، وقتی به بررسی تمدن می‌پردازند، به طور معمول با محوریت ابزار تولید، اقتصاد، سیاست و فرهنگ است و گاه حتی کل تمدن را با ابزار تولید و یا مفاهیم اقتصادی مانند ارزش افزوده تحلیل می‌کنند. (مانند تاریخ تمدن شپرد بی. کلاو) سیویلیزیشن در غرب با یکجانشینی و شهر در هم آمیخته است و جالب آنکه فرهنگ نیز با کشاورزی هم‌زمان و هم‌معنا است؛ به گونه‌ای که Agriculture و culturaton در واژه‌های لاتین دلالت بر کشاورزی، گرت‌بندی، شخم زدن، آبیاری و ... دارد و ریشه کلمه culture به معنای فرهنگ است. به این تعبیر سه واژه agriculture ، civilisation ، و culture با هم، هم‌ریشه و قریب‌المعنی هستند.

۳. عرب‌ها سیویلیزیشن را ترجمه جالبی کرده‌اند و آن را «الحضارة» نامیده‌اند. حضر، مخالف سفر است و گاه در اسم فاعل، مخالف بادیه و بیابان و به معنای شهر استفاده می‌شود (فی الحاضر و البادی). حضره به لفظ سیویلیزیشن بسیار نزدیک است. civil در لاتین معنای شهر و یکجانشینی می‌دهد و به طور دقیق ترجمه‌اش حَصْر می‌شود. وقتی پسوند tion اضافه می‌شود، معنای مصدری می‌گیرد و از این نظر ترجمه حضارة برای آن بسیار مناسب است. جالب است که در معجم‌های عربی اصولاً حضارة را شهری‌گری و شهرنشینی تعریف و ترجمه کرده‌اند. یعنی صور دیگر حیات را حضاره نمی‌دانند. در دیکشنری‌های انگلیسی نیز عیناً همین گونه است.

۴. ما ایرانیان سیویلیزیشن را ترجمه کرده‌ایم، «تمدن» که از «مدن» می‌آید که باز ریشه عربی مدینه و مدنیت و شهر است؛ اما نمی‌دانم چرا برده‌ایم به باب تَفَعَّل که به معنای «خود را به کاری زدن» است. تمدن یعنی خود را به شهرنشینی زدن، یعنی «تمدن»؛ یعنی مانند شهرنشین‌ها زندگی کردن. جالب است که در عربی وقتی می‌گویند تَمَدَّن فلان تَمَدَّنًا، یعنی از حالت خشونت

سیویلیزیشن، حضارة، تمدن آنجا معنا دارد که تاریخ را خطی و چیزی در حال ترقی از وضعیت پست‌تر ببینیم و نه دارای آغازی با شکوه حضور آدم و حوای معصوم بر عرصه گیتی.

۶. تمدن چیست؟ ما به هر جمع شدن و گروه انسانی تمدن نمی‌گوییم. نه در غرب و نه در اسلام به اجتماع و به هر گروهی انسانی تمدن نمی‌گویند. سهل است که در دین، اجتماع هم نمی‌گویند. ما در قرآن واژگانی داریم که دلالت‌های مشابه تمدن دارند: مانند مدینه، قریه، امت، مصر، قوم، بنی، آل و... که هر یک معنایی دارند و دلالتی. مثلاً مدینه بیشتر معنایی مثبت دارد. «وَجَاءَ رَجُلٌ مِنَ أَقْصَى الْمَدِينَةِ يَسْعَى» مدینه جای سعی است. اما مصر بیشتر معنایی منفی دارد. مصر جای هبوط است.

جای هبوط بنی اسرائیل است؛ آن‌گاه که دیگر به غذای واحد صبر نمی‌کنند و تجمل و تکثر و رفاه می‌خواهند و غذاهای چرب و شیرین؛ البته رفاه و زیاده‌خواهی یعنی دشمنی و عداوت.^۲ مصر جای ذلت و مسکنت و هبوط است. شاید اگر من بودم سیویلیزیشن را تمصّر ترجمه می‌کردم که بار منفی‌اش را بیشتر نشان دهم.

مفهوم دیگر، هجرت است. هجرت معانی مخالف حضارة دارد و شبیه سفر است، جز اینکه سفر بیشتر جابه‌جایی بدنی است، اما هجرت نوعی گذشت و فداکاری عملی و نظری است. هجرت از همه چیز و با همه چیز ممکن است؛ هجرت با انفس و اموال و... هجرت بسیار شبیه جهاد است. «الذین هاجروا و جاهدوا»، هجرت، نوعی ترک و دوری را هم شامل می‌شود (والرجز والهجر). در جایی به تفصیل نوشته‌ام که در عربی کشاورزی را فلاحت می‌گویند و این واژه با فلاح، رستگاری هم‌ریشه است. مثل کشاورزی و فرهنگ در زبان‌های لاتینی. و شاید

بهترین ترجمه برای فرهنگ، فلاح باشد. من نمی‌دانم معادل مخالف سیویلیزیشن در لسان دینی چیست، شاید هجرت، شاید جهاد، شاید امت، مدینه، قریه، مصر، فلاح، اما می‌دانم اگر ما آن را داشته باشیم دیگر نیازی به وصف اسلامی بودن ندارد. امروز ما واژه تمدن اسلامی را با تسامح و از روی ناچاری استفاده می‌کنیم و اگر روزی مثلاً «امت» را بسازیم دیگر «امت» اسلامی و غیر اسلامی ندارد. امت، اسلامی است و همان‌گونه که تمدن اسلامی یا مهدوی معنایی ندارد، امت غربی هم بی‌معناست!

ما شاید تا سال‌ها گرفتار این واژگان متناقض باشیم و البته چاره‌ای جز این گرفتاری نیست، اما باید سعی کرد واژگان را پالود و تا جای ممکن ناب کرد. اگر ما مفهوم Civilisation را خوب فهم کنیم راهی خواهد بود تا دریابیم معادل مخالف این واژه در نگاه دینی چیست. این راه اگر رفته شود راه برای ساخت آن چیز، تحقق آن چیز، آمدن آن چیز فراهم خواهد بود. ان شاء الله. ■

پاورقی

۱. دیگر آیات را ببینید: قَالَ فِرْعَوْنُ أَنَّمَنِي بِهِ قَبْلَ أَنْ أَدْنَى لَكُمْ إِنَّ هَذَا لَمَكْرٌ مَكْرَتُهُمْ فِي الْمَدِينَةِ لِيُخْرِجُوا مِنْهَا أَهْلَهَا فَسَوْفَ تَعْلَمُونَ. (که فرعون مدینه را برای خود بسیار مثبت و در موضع برانگیختن احساسات استفاده می‌کند). وَمِمَّنْ حَوْلَكُمْ مِنَ الْأَعْرَابِ مُنَافِقُونَ وَمِنْ أَهْلِ الْمَدِينَةِ مَرَدُوا عَلَى الْإِثْقَاقِ لَا تَعْلَمُهُمْ نَحْنُ نَعْلَمُهُمْ. (اینجا اسم خاص است) وَقَالَ نِسْوَةٌ فِي الْمَدِينَةِ امْرَأَةٌ الْعَزِيزَةُ تَرَاوَدُّ فَتَاهَا... وَجَاءَ أَهْلَ الْمَدِينَةِ يَسْتَبْشِرُونَ، قَالَ إِنَّ هَؤُلَاءِ ضَيْفِي فَلَا تَفْضَحُون... (اینجا بار منفی دارد) فَاتَّبَعُوا أَحَدَكُمْ يَوْمَ رَفَعْتُمْ هَذِهِ إِلَى الْمَدِينَةِ فَلْيَنْظُرُوا أَيُّهَا أَزْكى طَعَامًا... (شهر اصحاب كهف) وَأَمَّا الْجِدَارُ فَكَانَ لِغُلَامَيْنِ يَتِيمَيْنِ فِي الْمَدِينَةِ... وَكَانَ فِي الْمَدِينَةِ تِسْعَةُ رَهْطٍ يُفْسِدُونَ فِي الْأَرْضِ وَلَا يُصْلِحُونَ... (اینجا نیز بار منفی است) فَأَصْبَحَ فِي الْمَدِينَةِ خَائِفًا... وَجَاءَ رَجُلٌ مِنَ أَقْصَى الْمَدِينَةِ يَسْعَى... لَئِنْ لَمْ يَنْتَهِ الْمُنَافِقُونَ وَالَّذِينَ فِي قُلُوبِهِم مَّرَضٌ وَالْمُرْجِفُونَ فِي الْمَدِينَةِ لَنُغْرِبَنَّك بِهِمْ... وَجَاءَ مِنَ أَقْصَى الْمَدِينَةِ رَجُلٌ يَسْعَى قَالَ يَا قَوْمِ اتَّبِعُوا الْمُرْسَلِينَ... يَقُولُونَ لَئِنْ رَجَعْنَا إِلَى الْمَدِينَةِ لَيُخْرِجَنَّ الْأَعَزُّ مِنْهَا الْأَذَلَّ وَلِلَّهِ الْعِزَّةُ وَلِرَسُولِهِ وَلِلْمُؤْمِنِينَ...

۲. دیگر آیات را ببینید: وَإِذْ قُلْتُمْ يَا مُوسَى لَنْ نَصْبِرَ عَلَى طَعَامٍ وَاحِدٍ فَادْعُ لَنَا رَبَّكَ يُخْرِجْ لَنَا مِمَّا تُنْبِئُ الْأَرْضُ مِنْ بَقْلِهَا وَقِثَّائِهَا وَفُومِهَا وَعَدَسِيهَا وَبَصِلِهَا قَالَ آتَسْتَبْدِلُونَ الَّذِي هُوَ أَدْنَى بِالَّذِي هُوَ خَيْرٌ اهْبِطُوا مِصْرًا فَإِنَّ لَكُمْ مِمَّا سَأَلْتُمْ وَصَرْبَتْ عَلَيْهِمُ الذَّلَّةُ وَالْمَسْكَنَةُ وَتَأْوَأُوا بِعَصَبٍ مِنَ اللَّهِ... وَأَوْحَيْنَا إِلَى مُوسَى وَأَخِيهِ أَنْ تَبَوَّءَا الْقَوْمَ كَمَا يُبْصِرُونَ... وَنَادَى فِرْعَوْنُ فِي قَوْمِهِ قَالَ يَا قَوْمِ أَلَيْسَ لِي مُلْكُ مِصْرَ وَهَذِهِ الْأَنْهَارُ تَجْرِي مِن تَحْتِي أَفَلَا تُبْصِرُونَ...